

اما تعصبات نژادی که تقریباً یک قرن است بر ارکان بنیان اجتماعی امریکا تاخته و تار و پود جامعه‌اش را از هم گسیخته مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسأله‌ای است که جامعه بهائی با آن رو برو است و مقابله با چنین مشکل عظیم و پراهمیتی که یاران امریکا هنوز چنانکه باید به حلّش موفق نگشته‌اند مستلزم جهد و کوششی مداوم است، مقتضی فداکاری و ایثار است، مواظبت و مراقبت است، شهامت و استقامت و همدردی و فراست است و این همه به قدری فوریت و به قدری اهمیت دارد که وصفش نتوان کرد.

پس یاران قدیم و جدید، سیاه و سفید، ضعیف و شریف هر یک به قدر مقدور باید تمام استعداد و تجربه خود را بکار اندازند و در حلّ این مشکل مشارکت و مساعدت کنند تا با اجرای دستور و اجرای اوامر الهی موفق شوند تا بر اثر اقدام حضرت عبدالبهاء مشی نمایند هنوز مروجین امر نجات بخش حضرت بهاءالله چه سفیدپوست و چه سیاه‌پوست در امریکا راهی دراز و ناهموار و پرسنگ و خار در پیش دارند که باید به قدم همت بپیمایند و کمتر کسی از احباء امریکا کاملاً واقف است که مقدار مسافتی که در این سبیل می‌پیمایند و روشی که در این سفر پیش می‌گیرند وابسته به تصرفات همان قوای غیبیه‌ای است که ضامن پیروزی روحانی یاران امریکا و نیز موفقیت مادی نقشه اخیری است که به اجرایش برخاسته‌اند.

یاران امریکا پیوسته باید با شجاعتی بی هراس و عزمی بی قیاس مثل اعلی و روش و سلوک حضرت عبدالبهاء را که چندی شمع جمعشان بود در نظر داشته باشند، باید شهامت و عشق و محبت بی دریغش و سادگی و دوستی بی تکلفش و انتقادات همراه با ملایمت و حکمتش را بیاد آورند، باید جمیع خاطرات وقایع فراموش ناشدنی و تاریخی را که حضرت عبدالبهاء در روش و سلوک خود نمایان ساخت زنده نگاه دارند یعنی عدل و انصاف و همدردی و غمگساریش را با مستمندان و تمسکش را به اصل وحدت نوع انسان و محبت بی پایانش را نسبت به بهائیان و ناخشنودیش را از کسانی که آمال مبارکش را زیر پا می نهادند و روش و سلوکش را سرسری می گرفتند و به ردّ تعالیم و اصولش برمی خاستند و اعمال و کردارش را تخطئه می کردند همه را همواره درگنجینه خاطر حفظ نمایند.

اگر به هر نژادی به این بهانه که از لحاظ اجتماعی عقب مانده و از نظر سیاسی نابالغ و از حیث عدد قلیل است تبعیض و اجحاف روا داریم یقین است که به روح نباض امر حضرت بهاءالله تجاوزی آشکار وارد ساخته ایم زیرا احساس هر نوع جدائی و انشقاق در میان پیروان جمال ابهی کاملاً مغایر و منافی با مقصد و آمال و مرام امرالله است و چون اعضاء جامعه بهائی کاملاً به معرفت امر حضرت بهاءالله نایل گردند و با نظم اداریش همعنان شوند و اصول و احکامش را که در متن تعالیمش مندرج است تصدیق و قبول نمایند دیگر هر نوع اختلاف مربوط به طبقات یا رنگ پوست از میانشان رخت بریندد و به هیچ وجه و به هیچ بهانه و تحت فشار هیچ واقعه ای در جامعه بهائی راه نیابد. و اگر تفاوت و تفوق در میان آید باید در جهت حفظ مصالح اقلیت نژادی و غیر آن به کار برده شود.

هرجامعه متشکلی که تحت لوای حضرت بهاءالله درآمده، درست بر عکس ملل و مردم جهان چه در شرق و چه در غرب رفتار می کند در کشورهای استبدادی یا دموکراتیک، کمونیستی یا سرمایه داری، در نیمکره شرقی یا غربی مردم در هیچ یک از آنها اقلیت های نژادی و سیاسی و مذهبی را به حساب نمی آورند و پایمال، حتی نابودشان می سازند. اما بهائیان باید اول وظیفه حتمی خویش را چنین دانند که به افراد هر اقلیتی از هر دین و نژاد و طبقه و قومی فرصت پرورش دهند و تشویق و حراستشان نمایند و این اصل اساسی چنان عظیم و حیاتی است که چون در انتخابات بهائی یا در وقت تعیین هیأت عامله تعداد آراء بین دو نفر مساوی گردد که یکی از آنها از افراد اقلیت نژادی یا مذهبی و یا قومی باشد باید بی درنگ فرد اقلیت را ترجیح داد و او را منتخب یا منصوب ساخت در پرتو این اصل اصیل و به واسطه آنکه شرکت عناصر اقلیت و داشتن مسئولیت در فعالیت ها و خدمات بهائی بسیار مطلوب و محبوب است، وظیفه هر جامعه بهائی است که امور خود را چنان تنظیم نماید که حتی الامکان افرادی از اقلیت های مختلف که دارای شرایط و لیاقت لازم باشند در مؤسسات بهائی از قبیل محافل روحانیه و کانونش ها و کنفرانس ها و لجنه ها به عضویت رسند و در آنها نمایندگی داشته باشند.

اتخاذ چنین روش و استقامت صادقانه در آن سیل نه تنها سرچشمه الهام و تشویق اقلیت‌ها خواهد بود بلکه به جهانیان نیز ثابت خواهد کرد که امر حضرت بهاء‌الله آئینی است جامع و جهانی و فراگیر و نشان خواهد داد که پیروانش از قید تعصباتی که امور داخلی و روابط خارجی اهل عالم را دچار خرابی‌ها و تشنج‌ها فراوان ساخته به کلی رهایی یافته‌اند.

در این ایام که قسمت بزرگی از نوع انسان به شدت در پنجه تعصبات نژادی به انواع مختلف اسیر است، افراد جامعه بهائی امریکا در هریک از ایالات به هر جا که می‌روند و در هر سنی و سنتی و ذوقی و عادت‌هایی که باشند باید استخلاص از قید تعصبات نژادی را نصب‌العین و شعار خویش سازند و در هر مرحله از حیاتشان و فعالیتشان چه داخل جامعه بهائی یا خارج آن در مجامع عمومی یا خصوصی، رسمی یا غیر رسمی، فردی یا در مقام رسمی تشکیلات بهائی در لجنه‌ها و محافل، در جمیع شئون اثبات نمایند که از قید تعصبات نژادی رهایی یافته‌اند و برای پرورش و تقویت آن اصل هر روز هر فرصتی را هر چند ناچیز باشد مغتنم شمارند و در همه جا در خانه یا محل کار، در مدرسه یا دانشگاه، در مهمانی‌ها یا در ورزشگاه‌ها، در مجالس بهائی یا در کنفرانس‌ها و کانون‌ها، در مدارس تابستانه یا محفل روحانی اصل عدم تعصب نژادی را ظاهر و جلوه‌گر سازند و بالاتر از همه و بیش از هر چیز اساس سیاست محفل ملی یعنی اعلی‌هیات بهائی در کشور باید این باشد که به عنوان نماینده ملت بهائی و مدیر و مدبر امور جامعه سرمشق کردند و چنان اصل اصیلی را بر حیات و خدمات بهائیان که بر حفظ مصالح و حمایتشان مأمورند منطبق سازند و تعمیمش را تسهیل نمایند. حضرت بهاء‌الله می‌فرماید:

«ای اهل بینش آنچه از سماء مشیت آلهیه نازل گشته علت اتحاد عالم و الفت و یگانگی امم بوده، از اختلافات جنسیه چشم بردارید و کل را در پرتو وحدت اصلیه ملاحظه نمائید (ترجمه)» همچنین «مقصودی جز ارتفاع کلمه‌الله و اصلاح عالم و نجات امم نبوده و نیست».

«جمیع ملل باید در ظل امر واحد و شریعت واحد در آیند و جمیع ناس چون برادر مهرپرور گردند روابط محبت و اتحاد در بین ابناء بشر مستحکم شود و اختلافات و منازعات جنسیه و مذهبیّه کل محو و زائل گردد (ترجمه)» همچنین حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: «حضرت بهاء‌الله فرموده‌اند که، نژادهای مختلف انسان موجب ترکیبی هم‌آهنگ و رنگارنگ می‌گردد پس در این بوستان وسیع انسان باید با هم برویند و در کنار هم فارغ از هر اختلاف و خصومتی نشو و نما نمایند. (ترجمه)»

و نیز می‌فرماید، «حضرت بهاء‌الله روزی سیاه‌پوستان را به مردمک سیاه چشم که حول آن را سفیدی احاطه نموده تشبیه فرموده‌اند و در این مردمک سیاه همواره انعکاسی از صور اشیاء که در برابر آن واقع مشاهده می‌گردد و از آن انوار و تجلیات روح ظاهر و نمایان شود (ترجمه)».

و در مقام دیگر مذکور:

«خداوند امتیازی بین سفید و سیاه نمی‌گذارد اگر قلوب پاک و مقدّس باشد هر دو نزد حقّ مقبول است خداوند نظر به لون یا جنس افراد ندارد جمیع الوان نزد حقّ یکسان است خواه سفید خواه سیاه خواه زرد زیرا کلّ به صورت و مثال الهی خلق شده‌اند و لهذا ما باید بدانیم که جمیع حامل صفات الهی هستند. (ترجمه)» و نیز می‌فرماید:

«در پیش خدا جمیع نفوس یکسانند و در ملکوت عدل و رحمت الهی امتیاز و رجحانی برای احدی متصوّر نه (ترجمه)» همچنین «این حدود و تفاوتها را خلق نفرموده بلکه همه مخلوق بشر است و چون با مقصد و اراده الهی مغایر و مباین است و هم صرف است (ترجمه)». «در پیش خدا سفید و سیاه نیست جمیع رنگ‌ها رنگ واحد است و آن رنگ عبودیت الهی است، بو و رنگ حکمی ندارد قلب حکم دارد اگر قلب پاک است سفید یا سیاه هیچ لونی ضرر نرساند خدا نظر به الوان ننماید نظر به قلوب نماید هرکس قلبش پاکتر بهتر، هرکس اخلاقش نیکوتر خوشتر، هرکس توجّهش به ملکوت ابهی بیشتر پیشتر، الوان در عالم وجود هیچ حکمی ندارد» و نیز می‌فرماید:

«طیور و حیوانات مختلف‌اللون ابدأً نظر به رنگ نمی‌کنند بلکه به نوع نظر دارند حال ملاحظه کنید در حالتی که حیوان عقل ندارد ادراک ندارد با وجود این الوان سبب اختلاف نمی‌شود چرا انسان که عاقل است اختلاف می‌کند ابدأً سزاوار نیست علی‌الخصوص سفید و سیاه از سلاله یک آدمند از یک خاندانند... پس اصل یکی است این الوان بعد به مناسبت آب و اقلیم پیدا شده، ابدأً اهمیّت ندارد.» و در جائی دیگر می‌فرماید: «انسان واجد عقل و ایقان و صاحب بصیرت و عرفان و مظهر الطاف و مواهب حضرت یزدان است آیا سزاوار است افکار و تعصّبات جنسیّه در بین بشر ظاهر گردد و مقصد عظیم خلقت یعنی وحدت من فی الامکان را از جلوه و لمعان باز دارد.» (ترجمه) «یکی از اصول مهمّه که در وحدت و تمامیت نوع انسان مؤثر است حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی بین اجناس سیاه و سفید است مابین این دو دسته بعضی جهات توافق موجود و پاره‌ای موارد اختلاف و تمایز مشهود و محسوس که مستلزم بذل دقّت و اتّخاذ تصمیمات متقابله و تدابیر عادلانه حکیمانه است موارد ارتباط و وحدت بسیار است ... در این کشور یعنی ایالات متّحده امریک حبّ وطن متعلّق به هر دو جنس است جمیع از لحاظ عضویت جامعه در صقع واحدند، به یک لسان متکلم‌اند و از مواهب و برکات یک مدنیّت بهره‌مند به یک دین متدین‌اند و به یک اصول معتقد و پای‌بند فی الحقیقه موجبات الفت و محبّت و اتّحاد و اتّفاق از جهات کثیره بین این دو جنس موجود و حال آن که یگانه مورد اختلاف و تباین مسأله لون است با این وصف آیا جائز است که این اختلاف جزئی علّت افتراق گردد و این تفاوت مورث انشقاق و تجزّی یک ملت و یک خاندان شود» و همچنین مؤکداً می‌فرماید:

«این اختلاف صور و الوان که در عالم خلقت مشهود و بین کافّه ممکنات موجود و محسوس مبتنی بر حکمت الهی و مشیّت بالغه سبحانی است» (ترجمه) «این تنوع در جامعه انسانی باید موجب محبّت و یگانگی و مایه اتّفاق و یکرنگی گردد به مثابه موسیقی که چون الحان مختلفه ترکیب یابد و اصوات

متنوعه مقترن و موزون شود نغمه بدیع فراهم آید و آهنگ دلپذیر آذان را متلذذ و محظوظ نماید» (ترجمه) و نیز دوستان را به این بیان مبارک نصیحت می‌فرماید:

«اگر با افرادی از سایر اجناس و الوان برخورد نمائید نسبت به آنان عدم اعتماد نشان ندهید و به تمامه به خود مشغول مگردید و به افکار و ادکار خود نپردازید بلکه بالعکس اظهار مسرت کنید و ابراز رضایت و عطوفت نمائید». «در عالم وجود اجتماعی مورد عنایت ربّ و دود است که افراد سفید و سیاه با نهایت الفت و وداد یعنی با روح الهی و وحدت آسمانی با یکدیگر محشور گردند و با عشق و علاقه سرشار و محبت و مودت بشمار امتزاج یابند و ارتباط حاصل کنند و چون چنین شود ملائکه علیین لسان به تحسین گشایند و جمال اقدس ابهی از ملکوت اعلی آن جمع متآلف را به این خطاب احلی مفتخر و متباهی فرماید لکم ثم طوبی لکم و چون محفلی مرگب از افراد این دو جنس انعقاد یابد آن محفل جالب تأییدات ملاء اعلی گردد و جاذب الطاف و مواهب عالم بالا شود». (ترجمه) و باز هر دو طبقه یعنی سیاه و سفید را به این بیانات عالیات نصیحت می‌فرماید:

«نهایت اهتمام مبذول دارید و به جان و دل بکوشید تا این محبت استوار گردد و علائق دوستی و اخوت تحکیم پذیرد این موهبت رخ نگشاید و این موفقیت حاصل نگردد مگر با بذل همت و اعمال حسن نیت از هر دو طرف از یکطرف اظهار قدردانی و امتنان و از طرف دیگر ابراز مهربانی و تثبیت وحدت و برابری فی الحقیقه هر یک از طرفین باید طرف دیگر را در بسط و توسعه این منظور متقابل تقویت و مساعدت نماید. و چون چنین شود الفت و یگانگی بین شما افزایش یابد و بالنتیجه موجبات تحقق وحدت عالم انسان فراهم گردد زیرا حصول اتحاد بین سفید و سیاه تضمینی برای استقرار صلح جهان و تشیید مبانی یگانگی در عالم امکان است» (ترجمه) و نیز خطاب به افراد سفید می‌فرماید:

«امیدوارم که شماها سبب شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها به نهایت صدق و وفا و محبت و صفا خدمت نماید، این ضدیت و اختلاف و این عداوت و اعتساف که در میان سیاه و سفید است جز به ایمان و ایقان و تعالیم مبارک زائل نگردد.»

و بالاخره به موجب این بیان اتم اقوم توجه اهل عالم را به مقام و اهمیّت این امر خطیر معطوف می‌دارد
قوله العزیز:

«این قضیه اتحاد سیاه و سفید بسیار مهمّ است و اگر حصول نیابد عنقریب مشکلات عظیمه حاصل گردد.»

و نیز می‌فرماید:

«اگر کار برای منوال بماند روز بروز این عداوت ازدیاد یابد و عاقبت مورث مضرات کلیه شود و سبب خونریزی گردد.»

در این عصر ظلمانی هر دو نژاد سیاه و سفید باید کوششی فوق‌العاده نمایند تا انوار تعالیم و روح آئین حضرت بهاء‌الله در افکار و آداب و رفتارشان پرتو افکند. و باید شب و روز مجاهدت نمایند تا برای ایفای این مسئولیت مشترک و خطیرشان یکباره و تا ابد عقائد باطله سفسطه‌آمیز نژادی را با تمام پریشانی‌ها و مصیبت‌هایی که در بر دارد به کلی از خود برانند و اختلاط بین نژادها را تشویق و استقبال نمایند و جمیع موانع و سدّهائی را که امروزه بین آنان جدائی افکنده درهم شکنند و در این راه چون هریک از آنان می‌کوشد که سهم خود را در حلّ این مشکل بغرنج ادا نماید چه نیکو است که اندازات حضرت عبدالبهاء را به خاطر آوریم و تا وقت باقی است پیش خود مجسم کنیم که اگر وضع غم‌انگیز و خطیری که تمام ملت امریکا را فرا گرفته به کلی علاج نشود چه عواقب وخیمی را در بر خواهد داشت.

سفیدپوستانی که با عزمی راسخ قصد شرکت در حلّ این مشکل را دارند باید احساس برتری و تفوقی را که به ارث برده و گاه نادانسته در ضمیرشان محفوظ داشته‌اند برای همیشه از خود برانند و نژاد دیگر را از روی ترحم حمایت ننمایند بلکه از راه معاشرت صمیمانه و صفای دل و یکرنگی صادقانه آنان را راضی وقانع نمایند. و اگر آنچه می‌کنند به قبول آن مردم که سالیان دراز زخمهای شدید و دیرعلاجی دیده‌اند در نیاید بردباری کنند و بر بی‌صبری خویش غالب آیند.

از طرف دیگر سیاه‌پوستان نیز باید با کوششی مشابه با تمام قوا و با گرمی مساعی آن طرف را تقدیر و اجابت نمایند و نشان دهند که حاضرند گذشته‌ها را فراموش کنند و قادرند غبار هر شک و سوءظنی را که ممکن است هنوز بر ضمیر و دلشان نشسته باشد به کلی بزدايند و هیچ یک از آن دو نژاد نباید تصور نماید که چنان مشکل بزرگی را باید منحصرأ طرف دیگر حلّ نماید.

هیچ کس نباید چنین پندارد که می‌توان با اطمینان خاطر صبر کرد و منتظر شد تا واسطه یا سازمانی خارج از امر الهی پیدا شود تا با ابتکاری و خلق محیط مساعدی بر حلّ آن مشکل عظیم فائق گردد. هیچ کس نباید چنین اندیشد که چیزی جز محبت خالص و صبر جمیل و خضوع حقیقی و حکمت کامل و ابتکار صحیح و فراستی وافر و مساعی مداوم و سنجیده توأم با دعا و مناجات نیست که بتواند لکه ننگ اختلافات نژادی را که سبب بدنامی آن سرزمین گشته از دامن کشورشان بزدايد. پس بهائیان از نژاد سفید و سیاه باید ایمان داشته و قویاً معتقد باشند که تغییر مسیر خطرناک اختلافات نژادی در این نیست که نیروئی یا سازمانی خارج از حیطة امر بهائی بیاید و چاره کار کند بلکه در محبت و الفت است و در معاضدت پایدار است که آن مشکل بزرگ که مورد انذار و تحذیر حضرت عبدالبهاء بود حلّ شدنی است و نیز از همین راه است که آمال مرکز میثاق را تحقق می‌بخشد و این آرزوی مبارکش را بر می‌آورد که سیاه و سفید دست به دست هم دهند و سهم خویش را برای وصول به سر نوشت درخشان آن کشور ادا نمایند.

دوستان عزیز و محبوب، عمل خالص و خلق و خوی رحمانی با تمام تجلیاتش چقدر با خدعه و فریب و فساد که از خصائص حیات سیاسی و احزاب و دستجات آن ملت است تضاد و تباین دارد. تقدیس و عصمت و پاکدامنی چقدر با عنان‌گسیختگی اخلاقی و آزادی بی‌بندوباری که عده بسیار کثیری از افراد آن کشور را مبتلا ساخته مغایرت دارد. الفت و همنشینی بین نژادها چقدر از تعصبات نژادی که دامن اکثریت وسیع آن مردم را لگه‌دار ساخته دور و پر فاصله است، این صفات و کمالات عالیه است که اسلحه بهائیان امریکا است و همان است که باید یاران آن سامان در جهاد روحانی خویش آن سلاح‌ها را به کار گیرند تا اولاً حیات درونی جامعه خویش را جان و نشاط بخشند و ثانیاً بر مفاسد و شرور دیرپائی که در حیات آن ملت رخنه نموده دلیرانه حمله آورند. کامل کردن آن سلاح‌ها و به کار بردن مؤثر و درست و خردمندانه آنها است که بهائیان امریکا را حتی بیش از پیشرفت هر نقشه‌ای یا کشیدن هر طرحی و ذخیره هر مقدار از منابع مادی تأیید خواهد کرد و برای زمانی آماده خواهد ساخت که دست تقدیر آنان را برای مساعدت در ایجاد و بکار انداختن نظم جهانی که حال در کالبد مؤسسات اداری آئین مقدّسشان در حال تکوین است هدایت خواهد نمود.

در این جهاد دوگانه مبارزان غیور امر حضرت بهاء‌الله لابد است که با مقاومتی شدید روبرو گردند و چه بسا به عقب رانده شوند لهذا آن سپاهیان ملکوت باید با غرائز خویش بجنگند و مردانه با هجوم قوای مرتجعین و محافظه‌کاران و مقاومت ارباب منافع و مخالفت مردم فاسد شهوت‌ران زمانه به نبرد برخیزند و سخت استقامت و پایداری کنند و بر همه غالب گردند و چون تجهیزات دفاعیشان آماده گردد و توسعه و بسط یابد آن وقت است که تندباد طعن و لعن و خیل ملامت و افتراء بر سرشان هجوم آورد چنانکه آن مبارزان امر حضرت بهاء‌الله به زودی شاهد آن خواهند بود که دشمنان حمله بر دین و ایمانشان آورند و بر نیاتشان تهمت و افتراء بسته و مقاصدشان را سوء تعبیر کرده و آمالشان را به استهزاء گرفته و مؤسسات و معابدشان را تحقیر نموده و نفوذشان را خوار شمرده و اختیاراتشان را سرسری گیرند حتی شاید ملاحظه نمایند که قلیلی از نفوسی که یا از درک حقیقت امرالله بی‌خبر و یا از تحمّل لطمات حملات و انتقادات روزافزون عاجزاند گاه از امر الهی تبری جویند اینست که حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی فرموده که «به سبب عبدالبهاء بسیار امتحان خواهید یافت و زحمت و رنج خواهید دید.»

اما سپاه شکست‌ناپذیر حضرت بهاء‌الله که حباباً لجماله و به نام مبارکش در مغرب‌زمین در میدانی طوفان‌خیز و در یکی از سخت‌ترین و با شکوه‌ترین جنگ‌هایش به محاربه مشغول است هرگز نباید از انتقاد خرده‌گیران هراسان گردد یا از اعتراضات مفتریان که با زخم زبان مقاصد عالیه‌اش را خوار و حقیر جلوه می‌دهند خائف و پریشان شود. هرگز نباید از تهدید پیشرفت قوای متعصّبین و متطرفین مذهبی و مفسدین و مغرضین که کلّ به مقابله بر می‌خیزند عقب نشینند و از میدان بدر رود زیرا صدای اعتراض سبب انتشار ندای امر یزدان است و عدم محبوبیت علت تجلی بیشتر تفوق آنان بر خیل دشمنان. ورد و طرد به منزله مغناطیسی است که نیرویش بالمآل سرسخت‌ترین دشمنان عریده‌جوی را به خود جذب نماید چنانکه در (ایران) کشوری که اعظم میدان

جهد امر الهی و موطن شروترین دشمنانش بوده بروز وقایع حادثه و نفوذ تدریجی و مداوم عالیه اش و نیز تحقق و عودش بالمآل بعضی از اعظم دشمنانش را خلع سلاح نمود و تغییر حالت داد حتی به ایمان راسخ فائز کرد و در زمره پیروان وفادارش در آورد. حصول چنین تحوّل عظیمی و چنین تغییر شگرفی در خلق و خوی مردمان فقط از این راه ممکن می‌گردد که آن مجاهدان سبیل الهی که مقدر است پیام جانبخش حضرت بهاءالله را به مردم تشنه لب بی راهنمای سرگردان ابلاغ کنند خود را از لوث مفاصدی که باید از جهان بزدایند پاک و مبری نگاه دارند.

ای یاران محبوب قصدم اینست که نه تنها آن عزیزان را از فوریت و لزومیت و اهمیت وظیفه مقدّسی که بر دوش دارید با خبر سازم بلکه از امکانات نامحدودی که آن وظیفه در حیات و اعمال جامعه یاران در بردارد که هم سبب اعتلاء آنان و هم موجب ارتفاع موازین و نیات و مقاصد سایر مردم امریکا می‌گردد شمه‌ای بیان نمایم و امیدوار بل مطمئنم که آن یاران از دشواری و مشکلات شدید وظائف مقدّسه خویش مرعوب نگردند و با شدائد این زمان که با وجود مخاطرت و فسادش آینده بس درخشان و بی نظیری را در تاریخ عالم انسان نوید می‌دهد مردانه مقابله نمایند.

دوستان بسیار عزیز در ابتدای این اوراق کوشیدم تا به قدر کفایت از فرصت‌های درخشان و جلیل و مسئولیت‌های بسیار عظیمی بیان نمایم که در این زمان بر اثر تضییقات و مظالم وارده بر امر جهانگیر حضرت بهاءالله و در چنین مرحله خطیر عصر تکوین امر بهائی و چنین دوران بحرانی تاریخ بشری متوجه یاران امریکا گشته است و همچنین از حقیقت رسالتشان که عنقریب باید آن جامعه به حکم اوضاع جبر زمانه بر اجرایش قیامی مردانه نمایند، و نیز از اندازاتی که برای درک و فهم واضح تر و اجرای بهتر خدمات آینده‌شان لازم است سخن گویم و حتی المقدور آن خصائص و کمالات و موازین عالیّه محرکه‌ای را که حصولش بسیار مشکل ولی برای موفقیت در خدمات شما ضروری است توضیح و بسط دهم.

شوقی

۲۵ دسامبر ۱۹۳۸